نگاهی تطبیقی به آثار مشاهیر ایران در ادبیات عرب

سیدحسین موسوی‌نژاد

فربرز حسین‌نژاد‌داه

چکیده

در این مقاله با دانیام مشاهیر ایران در ادبیات عرب را معرفی کنیم. برای این مهم به بررسی ادوار هنر ادبیات نوستالژی و روشن شدن که سهم ایرانیان در تبلور ادبیات عربی چشمگیر است. توجه به ایران طرفدارانه یک کلید گفتار، و اختلافات اعراب با ایرانیان باعث شد تا فرهنگ دو کشور بر یکدیگر تأثیر بگذارد. این تأثیر در دوره امی کهن‌تر است چون حکومت امی همواره نزدیک عرب را به عنوان عرب به خصوص ایرانیان ترجیح می‌داد و همچنین باعث شد که ایرانیان کمتر در این دوره وارد جوی ادبی شوند. ولی اختلافات تاریخ و رفعت مقام ایرانیان در دوره عباسی در ظهور چهارهای مذهبی، امی و علمی سهم شایسته‌ای دارد. در این مقاله با برخی مشاهیر که بیشتر چهارهای ادیبی هستند آشنایی می‌شود و با نگاهی تطبیقی به بررسی آثار آن‌ها می‌پردازیم.

کلیدواژه‌گان: اعراب، ایرانیان، شعر، امی، عباسی، ادبیات عرب

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چایگاه

** عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کاشان

hamid.molaee@gmail.com
مقدمه
با حمله اعراب به ایران موج جدیدی یک‌باره‌ای متولد شده است که از فشارهای دولت ساسانی به سوته آمدته بوده، به دین میان‌السما درگذشت، و زمینه سقوط ساسانیان فراهم امث. با تغییر تاریخی مشخص شده که در دوره امرو ایران زیاد مطرح نبودند و همراه مورد تحقیق بودند. با این وجود افرادی همچون زیاد/عمر و خانواده نسیسی وارد ادب عربی شدند و از خود آثاری ادبی به زبان عربی به جای گذاشته‌اند. افرادی هم، مانند ثابت قطعه که امیر خراسان بود، در ادب عربی در خشیدند ویلی چون اصل و ریشه عرب دارند، از محور بحث ما خارج شدند. همچنین از آنجا که دامنه بحث گسترده بود، از بین مشاهیر، بررسی احوال شعر و ادب مورد توجه قرار گرفت و با نگاهی تطبیقی به موضوع بردختم. با این ادعا, کرده که در دوره عباسی، به‌این‌های ادوار تاریخی، شاهد رشد و بالندگی ایران هستند. چون حکومت عباسیان، توسط ایرانیان و با مجاهمت آنان پیروز شد، و حاکمان عباسی از ایرانیان در دستگاه حکومتی استفاده زیادی کردن دانستند؛ همین مسئله باعث رشد و بالندگی ایرانیان شد که در ادامه به موضوع می‌پردازیم.

حمله اعراب به ایران
اگر بخواهیم، پیشینه حمله اعراب به ایران و سایر بلاد را بررسی کنیم لازم است به نقطه افتراقی آن برگردیم. در سال یازدهم هجری که سال رحلت رسول (ص) است، اجراه نفشه نشر آیین اسلام در خارج از عربستان آغاز شده بود. بعد از رحلت پیامبر (ص) هرچند اختلاف داخلی شدیدی در عربستان شروع شد، ولی به سرعت از میان رفت و حکومت اسلامی قدرت بسیار یافته چنانکه توانست نقشه‌ای که اواخر حیات حضرت رسول برای تسخیر نواحی غربی آغاز شده بود اجرا کند و دسته‌ای از مجاهدان را به سوی روم و ایران روانه سازد. لازم به ذکر است که دو امپراطوری روم شرقی و ایران در این ایام برحیث چنگ‌های طولانی و مشکلات دچار ضعف شدیدی گردیده و عوامل انحطاط و شکست آنها فراهم شده بود.
سیره خلفای اموی
امیان نخست در شام سپس در اندلس خلافت کردند. خلافت‌شان در شام 90 سال به طول انجامید. در ایام خلافت خویش به مسائل عرب و عربی توجه خاص نمودند و از تقالید و سنن اسلامی بپرورانند. خلفای اموی گراشتهایی ازبین خود را حفظ کردند، مقام اعراب را برافراشتن و آنان را نفوذ کلمه به‌خشنندن و کارگزاران دولتی را چون ویلیان و سرداران سیاسی تنهای می‌کردند و ملل غیرعرب را رفاهی کردند، مقام اعراب را برافراشتن و آنان را نفوذ کلمه به‌خشنندن و کارگزاران دولتی را چون ویلیان و سرداران سیاسی تنهای می‌کردند و ملل غیرعرب را رفاهی کردند.

امیان نخست در شام سپس در اندلس خلافت کردند. خلافت‌شان در شام 90 سال به طول انجامید. در ایام خلافت خویش به مسائل عرب و عربی توجه خاص نمودند و از تقالید و سنن اسلامی بپرورانند. خلفای اموی گراشتهایی ازبین خود را حفظ کردند، مقام اعراب را برافراشتن و آنان را نفوذ کلمه به‌خشنندن و کارگزاران دولتی را چون ویلیان و سرداران سیاسی تنهای می‌کردند و ملل غیرعرب را رفاهی کردند.

سیره خلفای اموی
امیان نخست در شام سپس در اندلس خلافت کردند. خلافت‌شان در شام 90 سال به طول انجامید. در ایام خلافت خویش به مسائل عرب و عربی توجه خاص نمودند و از تقالید و سنن اسلامی بپرورانند. خلفای اموی گراشتهایی ازبین خود را حفظ کردند، مقام اعراب را برافراشتن و آنان را نفوذ کلمه به‌خشنندن و کارگزاران دولتی را چون ویلیان و سرداران سیاسی تنهای می‌کردند و ملل غیرعرب را رفاهی کردند.

امیان نخست در شام سپس در اندلس خلافت کردند. خلافت‌شان در شام 90 سال به طول انجامید. در ایام خلافت خویش به مسائل عرب و عربی توجه خاص نمودند و از تقالید و سنن اسلامی بپرورانند. خلفای اموی گراشتهایی ازبین خود را حفظ کردند، مقام اعراب را برافراشتن و آنان را نفوذ کلمه به‌خشنندن و کارگزاران دولتی را چون ویلیان و سرداران سیاسی تنهای می‌کردند و ملل غیرعرب را رفاهی کردند.

امیان نخست در شام سپس در اندلس خلافت کردند. خلافت‌شان در شام 90 سال به طول انجامید. در ایام خلافت خویش به مسائل عرب و عربی توجه خاص نمودند و از تقالید و سنن اسلامی بپرورانند. خلفای اموی گراشتهایی ازبین خود را حفظ کردند، مقام اعراب را برافراشتن و آنان را نفوذ کلمه به‌خشنندن و کارگزاران دولتی را چون ویلیان و سرداران سیاسی تنهای می‌کردند و ملل غیرعرب را رفاهی کردند.

امیان نخست در شام سپس در اندلس خلافت کردند. خلافت‌شان در شام 90 سال به طول انجامید. در ایام خلافت خویش به مسائل عرب و عربی توجه خاص نمودند و از تقالید و سنن اسلامی بپرورانند. خلفای اموی گراشتهایی ازبین خود را حفظ کردند، مقام اعراب را برافراشتن و آنان را نفوذ کلمه به‌خشنندن و کارگزاران دولتی را چون ویلیان و سرداران سیاسی تنهای می‌کردند و ملل غیرعرب را رفاهی کردند.

امیان نخست در شام سپس در اندلس خلافت کردند. خلافت‌شان در شام 90 سال به طول انجامید. در ایام خلافت خویش به مسائل عرب و عربی توجه خاص نمودند و از تقالید و سنن اسلامی بپرورانند. خلفای اموی گراشتهایی ازبین خود را حفظ کردند، مقام اعراب را برافراشتن و آنان را نفوذ کلمه به‌خشنندن و کارگزاران دولتی را چون ویلیان و سرداران سیاسی تنهای می‌کردند و ملل غیرعرب را رفاهی کردند.
آمیوان تقصیب قبیله‌ای را زندگی کردن و این بنرنه از زمان معاویه آغاز شد. هم‌ت معاویه این بود که تقصیب را زنده کنید که پیامبر(ص) موعظه برای این تلاقی کردن. فقط آتش تقصیب مدت کوتاهی در زمان خلفای عمر بن عثمان تامیر خاموش گردید. چون تنها از بین خلفای اموی، او به صلاح و تقوی مشهور بود، او با فقا و علماء اهل بیت رسول خدا همین‌شیئی می کرد و سنت اموی که در دوره معاویه رایج شده بود (و نسب معاویه) بود را لغو کرد و فکر را به اهل بیت(ع) برگرداند و به نوشت‌ن حديث شریف نبوي معاویه داد. او به نشر دعوت اسلامی با حجت و دیل، اهتمام ورزید و داعیان را به بلاد ماوراد النهیر و شمال آفریقا فرستاد. پس مرم موره گروه به دین خدا وارد شدن. ولی حلافات او دو سال و پنج ماه بیشتر به طول ننجامید و در سال ۱۰۱ هـ مرد یا کشته شد(آذرشنبه، ۱۳۷۵: ۱۲: ۱۵۲).

ولی بقیه خلفای اموی روش ديگري بهخصوس در رابطه با غیرعرضها و بالأخص ایرانی‌ها داشتند. معامله معاویه، دوره اموی با این گروه معامله خواسته با بندبود. آن اقتادن چون سیاست حکم و احسان نسبت به موالی می‌شمردند زیرا معتقد بودند که آن را از کفر و گمراهی رهاییدند. ظلم و آزار عملیات به آمریکا نسبت به موالی خاصه را ایران و موارد النهیر به درجه‌ای رسیده بود که گاه به طلیبی و سروری عليه آن می‌شد و نتیجه‌ان جز اجحاد نفاق می‌شد. برخورد ناشی‌اند حکومت امروی با ملل دیگر بهخصوس ایرانیان باعث شد که نفرت آمیوان در دل ایرانیان ریشه کند و از هر حرکتی که منجر به سقوط حکومت اموی شود استقبال کنند(سفا، ۱۳۸۵، ج۱: ۱۹).

شعر در دوره اموی

شعر در این دوره شکوفا شد و شعر از علم مناقشات سیاسی و درگیری‌ها قبیله‌ای زیاد شدند و جراین شعری مخالف قدرت حاکم و جراین شعری درباری ظاهر شدند و بسیار شعر عربی از خراسان در ناحیه شیرکته تا مصر در ناحیه غربی گسترش یافت(آذرشنبه، ۱۳۷۵: ۱۶۴).

شعر در عهد اموی وسیله‌ای برای نشر مانند و تأیید احزاب سیاسی و گرایش‌های قبیله‌ای گردید.
شاعران شعر را چون سلاحی برای اعتلای شوین حزب خود و فرو کوختن مخالفان به
کار می‌برند.
خلا و امرا به شعر توجه خاص کردن و شاعران را مقرب دستگاه خود گرداندن و
برایان مجلس شعرخوانی ترتیب دادند. به سبب فراقوان شدن اسباب لهو و طرب،
داستان‌های بادگزار و عصرت طلبه در شعر افروز شد و نیز هجاء در عين اینکه
پی رحمان‌تر شده بود، شیوع بیشتری یافت. به خاطر آنان‌ای عرب با مسائل مدنی و
محيط تازه دینی، خیال‌ها وسعت گرفته بود ولی همچنان با خیال‌های عصر جاهلي
سخت پیوسته و از واقعیت حسی فاصله نمی‌گرفت. شعر این دوره از ارزش تاریخی
مهمی بروخوردار است ما را از اخبار انقلاب دینی و پیامدهای آن و از مقامات‌ها و
فتوحات آگاه می‌کنند. نیز از پیشرفت‌های دولتی و فرهنگی، نظام‌های اجتماعی و
ساخی، وضع احزاب و گروه‌ها و فرق‌های متصحی و نیز از رواج ثروت و لهو و لعاب در
بين بپرخی از طبقات آگاه می‌کند.
ولی پاید توجه داشت که به سبب هیجان عاطفی که مولود عصبیت‌ها و کینه‌های
این اخبار تا حرم مبالمه‌ای می‌باشد (صفا، 1385: 160-168).}

شعرای ایرانی در عصر اموی
یکی از مراکز شعر اموی خراسان می‌باشد. بعد از اینکه مجاهم‌ان مسلمان خراسان را
فتح کردن، قبائل عربی به انجا مهاجرت کردن و بیشترشان از قبایل بصره بودند و
همراه خودشان تخصصت قبیله‌ای که بین قبایل تیمی وجود داشت را اوردن. این مسائل
منجر به نشاط عظیمی در شعر مدد و هجا در خراسان شد و همچنین شعرای ایرانی
مثل زیاد اعجم وارد این میدان شدند. همچنین شعر فتح در خراسان فعال شد.
به‌خصوص بعد از اینکه مسلمانان پیروزی‌هایشان را در موارد النهر به دره‌گر قربینه بین
مسلمان به‌تنهایی تحقیق بخشیدند (آذربایجان، 1375: 196)، پدیده آگاهان در فتح اسلامی ایران،
ارپیداری ایرانی‌ها از دين اسلام می‌باشد پس با حیث شدیدی به یادگیری زبان قرآن
روی آوردن و زبان عربی از قرن اول هجری در کنار زبان فارسی قرار گرفت. از مظاهر
آن ظهور شعرای ایرانی می‌باشد که شعر عربی سرودند. در این دوره شعرایی همچون
زیاد اعجم

زیاد بن سلیمان اعجم شاعری است که در اصفهان به دنیا آمد و همانجا بزرگ شد و به خراسان نقل مکان کرد و در آنجا ساکن شد و همانجا وفات کرد(کلیه، ۱۳۹۳ م. ج ۱: ۷۲۸). از این جهت به او "اعجم" می‌گفتند که کلمات عربی را به لحجه ایرانی ادا می‌کرد و در ترکیبات و اشعار مرتبک لحن می‌شد(صفا، ۱۳۸۵: ۱۱۹). بیشتر تعریف زیاد/اعجم مجد و هجا می‌باشد. گفته شده که او در مجدد صادق نبود بلکه مجدد برای تکسب و درآمد بود، زیرا اگر بخشش ممدود تأخیر داشت به سرزنش او می‌پرداخت. از مجددانش عمر بن عفیف الله معمر/تیمی می‌باشد که زیاد قصد او کرد، هنگامی که از طرف مصیب بن زیبیر والی فارس بود و او را به خاطر تبریک مقامش مدد گفت. در ضمن مجدد به تمامی زیاد به دشمنان مبیشها آثاره می‌کند و می‌گوید:

ابل‌لغ ابجاخت رسفالا ناصح... انت من زیاد مستبناً کلامها

به ابجاخت نامه نصیحت کنندای ای برسان که از سوی زیاد آمد و سخنان

ارکند و آشکار است.

اذاخترت ارضاً للمقام رضیتها لنفسی و لم ينقل على مقامها

(آذربای، ۱۳۷۵: ۱۸)

زمانیکه زمینی را برای اقامت برگزیدی، در درونم به آن راضی شدم و آن اقامت

بر من سنگین نبود.

در همین قصیده در مجدد عمرین عفیف الله می‌گوید:

لقد كنت ادعوا الله في السران ارى امور معد في يديك نظمها

به تحقیق خداوند را می‌خواندم در راز امور متعدد و کاملی که نظام‌یافتن‌اش را

در سخنان تو می‌بینم.
از مسعود سعد سلمان در این مورد چنین آمده است:
نه بی رضای تو اختر همی کنن تأثیر
نه بی هواه تو گردون همی کنن دوران
(سعد سلمان، 1363 ش: 372)
و در جای دیگر مناسب این معنا چنین سروده است:
آلا که نظم جهان در بد کفایت توست
نهان اگرچه خدا را به لبه می خوانم
(همان: 362)
پس عمر به او گفت: به تحقیق آن را دیدی. زیاد گفت:
وکت امنی نفس منک این معمر
آنان هرگونه به تنمهم‌های
- و از توا ی پسر معمر در دورنم آزوهای می کردم که امیدواری تمامام کامل و
محقق شود.
 Lebens: خداوند آن را بر تو کامل و برآورده کند. زیاد در ادبی چنین سرد:
فلاک کمال‌مرجعی را رأس غاْبة
یرجی سما، لُم یسیبه غامه‌ها
پس مانند اقدام کننداهنیستم که به رأس هدف‌های جاری می شود و آسانی را
امید دارد که ایرش به آن نرسیده است.
عمرن بن عبایرالله گفت: این چنین نیستی. پس حاججتهایا بخواهایا: زیاد گفت:
شتری
نیکو بآ تسرش، اسیب خوب با مسئول‌های، کسی‌های بر از پول با حامل‌های
با خادم‌های، ظرف نبای بی‌سفارش، چیستهای بر از بول با حامل‌های
یکی‌های زیاد. زیاد گفت: دستور
داده‌های که همه‌انچه‌های به‌خواستی ماهر سالم برجای گذارد تا در آن را چنین پاداشی وجود دارد
در اشعر زیاد/عمر بپیش‌های شعری دوره اموی به‌خصوص مدح و هجا بسیار وجدود دارد
که نمونه‌ای را ذکر کردم و تفحص بیشتر را به خوانندگان عزیز و اگذاری می‌کنیم.
نام آوران ایران در نظام و نثر دوره عباسی
قرن چهارم و اویل قرن بینجم مهم‌ترین دوره ظهور نویسندگان و شاعران بزرگ ایرانی
در ادب عربی می‌باشد. در رذیف نویسندگان و شاعران بزرگ پارسیان ایران که در این
دوره به سر بردن، گروه بزرگی از شاعران و نویسنده‌ها و ادباء و مورخان که به عربی نظم و نثر داشتند، در خدمت سلاطین باعزت و کرامت میرزاسبند و از آن‌ها در این مدت اثر معروفی بر جای خود است. بعضی از شعر و نویسنده‌گان فارسی در این دوره از جمله افرادی هستند که اثری به زبان عربی دارند. مانند شهید بلخی و ابوعلی سینا و شمس‌الملک قیالو و آیوب الفتحی، ابتدا، دیگران و از آنجا که معمولاً وزرا از میان دیپارک بزرگ که با علوم اشتباهی کامل داشتند انتخاب می‌شده، نویسنده‌گان بزرگی از ایران که به زبان و ادب عربی نظم و نثر داشتند به وزارت رسیدند. با این اذعان کرد که وجود آنان در گسترش ادب عربی در ایران و گردآوردن ادبیات و شعر و نویسنده‌گان عربی در دیگر اثر، تشکیل بوده است (صفا، 1385: 1/636). شعر عربی در ایران این دوره به اندیشه نثر عربی رواج داشت و کمتر فیلسوفیا ادبی بود.

و نویسنده‌ای است که در این دوره در ایران زندگی کرده باشد و دیوان شعر عربی نداشت یا ایبایتی‌اش نقل نشده باشد. در این دوره شاهد ظهور شعری همچون علی بن عبدالقیصر حرجازی، طفرینی، ابوکیر شوآرزمی، ابوالفتح بن هنگی، ابوالحسن باخضری، ابوالفتح بستی و سایر شعراء و همچنین ظهور نویسنده‌گان همچون قیالو بن وسپکی، ابونصر عنبی، ابن الهدی، صاحب بن عباد، بقیع الزمان هنمانی و دیگران هستیم که به معرفی نمونه‌ای از این ستارگان ادب می‌پردازیم.

ابوالفتح بن هنگی

علاقه‌ای به حسین بن هنگی از کسانی است که در طب و فلسفه و ادبیات و شعر آگاهی و اطلاعاتی دارد، به صاحب بن عباد پیست و صاحب وا مقرب خو ساخته. این یکی از کتاب‌های انشای در دیوان عهد دو به می‌برد و بعد از مدیری زندگی کرد. تا این که در سال 420 هجری در جریان وفات کرد (ضیاف، 1990: 64). این هنگی دیوان شعری بیشتر به دارد که به دست ما نرسیده است. او در غزل اشعار زیادی دارد که نمونه‌ای را ذکر می‌کنیم:

تقول: لوط کان عاشقا دنس‌ها آذن بهشت صفره‌به خدیه‌ب
نگاهی تطبیقی به آثار مشاهیر ایران در ادبیات عرب

- می‌گویی: اگر عاشقی سخت بود که در اثر عشق مرضی شده بود، در این صورت زرده در گونه‌هاش آشکار می‌شد.
  
صدی فرد در این معنی می‌گوید: رنگ و روبیمغم دل بیش کسان می‌گوید فاصله گرد آن که بی‌گانه همی به‌هفتم

(خمشاهی، 1383: 495 ش)

و هاکی نیز می‌گوید: 
گوگاهی ده‌ده چه‌چه‌ر دم‌دن

(هاکی اصفهانی، 1375: 136 ش)

لا تنگری‌م‌فسان صفرت‌ه
غطشت علی‌ده دم‌ده عینی‌ه

(العیلی، 1340/1403: 140 ش)

- او را ازکار نکن. همانا زرده او به این خاطر است که خون چشمانش بر
آن (گونه‌هاش) فرو رفته است.
مسعود سعد سلمان گفته است: عبیر چشمانش گرفته سرخی لاله لاله رویش گرفته زرده عیبر

(سعد سلمان، 1362 ش: 250)

او در این ایبات بر بهان زبانی او آورد است و برای کسی که فلسفه خوانده است، طبیعی است که نیکو علت بیاورد، او در موضوعات مختلف شعری سیر کرده که از جمله آنها شکایت (شکایت) می‌باشد، او اشعاری دارد که به وسیله آن از مقام‌اش در شهری شکایت می‌کند و چنین می‌ساید:

ضعفت با آزار الیبر فی اهل‌م ضیاع حرف الرا فی اللفیه

در میان مردم سرزمین ری ضایع شدم همانند ضایع شدن حرف راه در دهان
کسی که لکتن زبان دارد.

صرت به‌هنا بعد بلغ‌الملی، عجب‌بینی‌ان ابلغ اللفیه

(ضیف، 1390: 260 ش)
بعد از رسیدن به آرزوها در آن طویل شدم که مرا شگفت زده می‌کرد، اینکه برسم به آنجه که برای برطرف کردن حاجت‌ام کوپایی می‌کند.
در همه آنجه که ذکر کردیم شاعریت/ایوا/فارغ‌باشند و مهارت‌اش در سوادون شعر به‌خصوص در لغز و صورت‌ها و معانی تازه و ابتکاری دیده می‌شد.

ایواالفتح بستی
ایواالفتح علی بن الحسنین بن عبید/علی‌الیستی در بست نزدیکی سگستان به دنیا آمد
و کتابت دیوان آنجا را عهدی دار داد. سپس به خاک منتقل شد و در آنها در سال ١٣٩٠ هجری وفات کرد. دیوان شعری دارد که مشهورترین اشعارش قصیده نوینیهای است
که با این مطلع آغاز می‌شود:

زیاده المره فی دنباء نقصان
وربجه دون محض الخیرخسران

رفاهری، ١٣٨٠: ١١١)
اور از ادبای بزرگ ایرانی در زمان خودش به شمار می‌آمد و در دو زبان عربی و فارسی،
کتاب و شاعر خوبی بود. امیر بست از را کتاب خویش ساخت. او شافعی مذهب بود و
عقیده به اعتزال داشت. در غزل و خمر شعر سرووده و در اشعارش از جنس، تشبیه و
استعاره زیاد استفاده کرده به طوری که گویا هدف‌هاش از سروادن شعر بکاربردن تشبیه‌بایا
استعاره یا طباق بوده نه خود شعر که نمونه‌ای از آن را در غزل زیر می‌بینیم:

و غزال کل... مین شیبند
به لال و به... ظلمه

اور غزالی است که هر کس او را به هلال ماه با ماه کامل تشیبی کند به او ستم
کرده است.

فردوسی در این خصوص می‌گوید:
کجا... هم، دارد دو زلف سیاه

(رجایی، ١٣٦٠: ٢٨١)
مسعود سعد سلیمان گفته است:
قم میثاق‌با روز او نباید کرد
و گر کن تنهمه کس عیب بر قمر گیرند
(خرمشاهی، ۱۳۸۳: ۴۴۳)
و در جای دیگر می‌گوید:
گل با وجود او چو گیاه است بیش گل
می پیش او چو ستجاوز است بیش ماه
(همان: ۱۳۸۳)
قَلّل اذ قَلّلَت بَنَانِهم فَقَمَه ١٠٣
١٠۲ ١٠۳ ١٠۴ ١٠۵ ١٠۶ ١٠۷ ١٠۸ ١٠۹ ١٠٠ ١٠۱
هنگامی که در وهم و خیال دهان‌اش را بوشیدم گفت تعداد و اسراف گردید پس
باز باش.
حافظ در این معنی گوید:
به لبه گفتم‌اش ای ماه رخ چه باشد اگر
به خنده گفت که حافظ خداز را مسند
ک‌ه بوسه‌ت‌و رخ ماه را با‌لاید
(قزوینی و غنی، ۱۳۷۷ ش: ۱۶۴)
"به" در آخر بیت دوم اسم فعل امر به معنای "آتفق" می‌باشد. روشن است که آن
را آورده تا این جنایی تأمین شود و بر سرح فارغ‌الفرآورده تابین آن و کلیه فهمه در
آخر مصرف اول، جنای تشکیل شود، اما در اشکال این روش در بین شعرای ایرانی
زمانی و بعد از آن تأثیر گذار بود. ابیالجاف در شعرش برای بکارگیری اصطلاحات فقهی
و طبی و فلسفی و سازگاری شناسی و نحوی تصمیم‌زنی به خرج می‌داشد. همچنین حکم و
امثال زیادی در دیوان او وجود دارد که علایی یک فصل طولانی برای حکمت‌های بستی
قرار داده است. این حکمت‌ها دلالت بر دورگری و آگاهی وسیع و داراد و حق است که
بگویم ای شاعری است که نیوگی سرشار دارد که باعث شده شعرش را با معنای و
صیغه‌های وظیفی پی‌باید.

ابنونواس
حسن بن هانی معروف به ابنونواس در اهواز از بندر خوزستان حضور سال ۷۶۲ م/ ۱۴۵۲ هـ موتولد شد. پدرش هانی چوز سپاهیان مروان آخرین خلیفه اموی بود. بعضی
گونبد او ایرانی‌ها اصل‌بدی، اما مادرش جلبان قطعاً ایرانی‌بدی است (الخاوری، ۱۳۶۸:۳۵۰).

این‌ها فرهنگ توصیف اطلال و دم را خوش‌نداشت و از ان گریزان بود، بر عکس در میکسی و شادخواری نشانی از ایرانی‌ها دارد. البته بیشتری ضایع می‌گوید: «ما بهاین‌ها طلسم می‌کنیم اگر و یا شووبی بهبلیم، زیرا اوم بر اطلال زیاد در برخی است و نیز می‌گوید علی رغم زیاد به بادش‌گاری، خدا را می‌خواند و از معاد می‌ترسند» (ضیف، ۱۹۴۶:۲۳۷).

از نظر او باده ا절‌بدی را تغییر می‌دهد و امید را در دل ادمی ایجاد می‌کند، از نظراین‌ها: «به شاعر کنن است زیرا شاعر آزادی است. آنها که دروازه‌های آزادی براش بسته است، کنها براوی و مقدس می‌شود(این‌ها، ۱۴۳۶:۲۴).

اپه و لعب در اشعار/این‌ها در سه مورد از اغراض شعراشی سرویش می‌زنند: غزاییات، طریقت، خمیرات.

در ادامه به ذکر ابماتی از خمیرات او می‌پردازیم و در ضمن به تطابق آن‌ها با اشعار رودکی می‌پردازیم.

بررسی انواع شعر خمیری رودکی و این‌ها

خمیرات راهی برای فرار از غم‌ها و فرار به دوره جوانی است و صید لذت‌های

بدست‌آمده در پی این مسئله چنین که این‌ها می‌گوید: 

بادر شبابک قبل الشیب والعمار

وحتیتالکس مسین بکر لابکار

(گنگیمی هلال، ۱۹۴۶:۱۷۲)

- جوانی‌ها را غنی‌تم بی‌شمار و به آن پیرداز چنل از اینکه پیر و فرسوده شوی و جام را از جوانی سرکش نه سالخوردگی.

روبدکی نیز به اغتنام فرصت فرامی‌خواند: 

که چهان نیست جز فساده و باد

وژگ‌ششته نکرد باید بود

زأمده شام‌دن باید بود
بی‌بوئسی معتقد است که خمر هر اندوهی را زائل می‌کند و در شادی آفرینی تأثیر
مضاعف دارد:
لیست‌ها حجر مسته سرآمد
صرف‌یا لنز‌الاپزان ساحت‌ها

(الشماوی، 1980: 128: 2)  
این شراب زردنبگ تست و غم و اندوه در ساختار فرد نمی‌آید. اگر سنگ آن
را لمس کند، شادمانی می‌گردد.
رودکی در خصوص غم زدایی آن می‌گوید:
تا بشکنی سباه غمان بر دل
آن به که می‌بایار و یگسیری

(رودکی، 1382: 112: 2)  

و در مورد مقدار اعجاب‌انگیزش می‌گوید:
آهو به دشت اگر بخورد قطره‌ای از اوه
گرنه شیر گردد و نیوشت از یلغ

(همان: 95: 12)  

و باز می‌گوید:
و آن‌گه به شادی پکی قدح بخورد زوی
رنج نبیند از آن فراز و نه احزان

(همان: 99: 1)  

/بی‌بوئس شراب را مناعی خاص میداند که هر کسی را لياق تنشیدنی نیست بلکه
آن وی‌ها بزگ زادگان و تروشندران است:
دارت علیّ فتنه دان الزمان لهم
فما یصیبهم ابما شاواوا

(بی‌بوئس، 1422 ق: 240: 1)  

/و آن در میان جوانانی گردنده می‌شد که روزگار در برابرشان کرنش کرده است
و آنچه را آنان می‌خواهند اتفاق می‌افتد(بدون اذن آن‌ها کاری انجام نمی‌شود).
رودکی نیز می‌گوید:
/اگر این می‌به ایب اندر به چنگال عقاب‌یی
از آن تا ناکسان هرگز نخورندی صواب‌یی
بث‌نواس، ۱۳۹۳، ص.110: [گاهی افرادی آن را می‌نوشند که استحکامات را ندارند: 
الخمر فرد بشرپرها معشر لیس‌ها، اگر عداو، باکفان‌ها]

(بی‌نواس، ۱۴۴۲، ص.۵۳) : 
و گاهی گروهی شراب را می‌نوشند که اگر حساب‌شوند، اهل و سازوار آن نیستند.

(بی‌نواس، ۱۳۸۲، ص.۱۳۹۳) : 
برای اینکه از رنگ شراب هم غفلت نمی‌کند، شراب/بی‌نواس همه رنگ‌ها را
داراست از قرمز تیره تا زرد حتی آبی روشن در آن وجود دارد/بی‌نواس می‌گوید: 
کسی اگر از این بهره‌ای در هیمال فی العین و ال‌خدا

(همان) : ۴۶۷ 
شراز قطع روی در گلوی نوشندباد سرازیر می‌شود؛ سرخی خود را به
گونه و چشماناً می‌خشد.

(بی‌نواس، ۱۴۴۲، ص.۱۳۸۲) : 
روشکی هم رنگ شراب را این گونه بیان می‌کند: 
چند از او سرخ چون عفیق یمنان 
جند از او لعل چون نگین بدختان

(بی‌نواس، ۱۳۸۲، ص.۱۳۸۲) : 
روشکی شراب را به باقوق و مرجان تشییع می‌کند و می‌گوید:
وทรงای کالی‌باقوق به‌شکرها 
وکاتبی فی الزجاحه تدمی

(غنیمی‌هلال، ۱۹۶۶، ص.۱۷۴) : ۱۷۴ 
گونه باقوت سرخ گیرد و مرجان
چو یانشناد تمام و صافی گردید

(بی‌نواس، ۱۳۸۲، ص.۱۳۸۲) : 
روشکی در این بیت می‌رواند به‌پیمود که شرابی که شاعر آن را می‌نوشند در اینجا
مانند باقوت، سرخ است و همان لحظه شاعر ماند که گمان می‌گن که شراب در پک قل‌شیته از
خون است، اما واقعاً خود شراب است که در جام هر رنگ‌خون ظاهر شده است.
نتایج بحث

در خاتمه بحث به این نتیجه می‌رسیم که همواره فرهنگ‌ها بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. هر چه را کراچت انسانی از سوی حاکمان و دولت‌های اروپا نهاده شود، استعدادهای بشری بروز و ظهور می‌کنند. در حکومت نظام‌های امروزی که هنگ نزدیک را برتر از اعراب نمی‌دانستند، تولید علم و ادب کند شد، بر عکس در دوره عباسی که توجه زیادی به عنصر ایرانی شد، شاهد ظهور چهره‌های ادبی، علمی و مذهبی هستیم. مهم‌ترین مسأله در رشد و توسعه افراط، حمایت دولت‌ها از آنان می‌باشد. اگر حاکمان جامعه‌اشتباهی به علم و ادب نداشته باشند، تبدیل انتظار جامعه‌ای متفرقی‌دانت، در جنین محیطی از استعدادها استفاده نمی‌شود و جامعه به سمت جمعیت می‌رود.

نکته دیگر در خشش استعداد ایرانی در سراسر تاریخ است، دنیا اعتراف می‌کند که ایرانیان دارای هوش و ذکاوت بالاتری هستند. اگر در دوره عباسی شاهد در خشش استعدادها و تولید آثار علمی-ادبی و مذهبی هستیم، امروز هم می‌پنیم که استعدادهای ایرانی در سراسر جهان می‌درخشند. بنابراین انتظار می‌رود به نهادیت به این استعدادها شاهد ظهور و بروز مشاهیر دیگری از ایران زمین در این سرزمین و سراسر زمین باشیم.
کتاب فارسی

کتاب عربی

 книتنامه

آذر شپ، محمدعلی. ۱۳۷۵ ش، الأدب العربي وتاریخه (حتی نهایة العصر الاموي)، تهران: سازمان سمت.

خرمشهی، بهاء الدین. ۱۳۸۳ ش، کلیات سعید، تهران: انتشارات دوستان.

رودکی، ابو عبداللہ. ۱۳۸۲ ش، دیوان، به گوشش منوچهر علی بور، تهران: انتشارات تبرکان.

صفا، ذیل اللہ. ۱۳۸۵ ش، تاریخ ادبیات در ایران، تهران: انتشارات فردوس.

محمد بن بهاء الدین، شمس الْدین (حافظ شیرازی). ۱۳۷۷ ش، دیوان، تصمیم محمد قروینی و قاسم غنی، تهران: انتشارات اقبال.

کتاب عربی

ابن هنائی، حسن (العینی، ۱۳۶۲ ش، دیوان، شرح سلمای خلیل قهوه چی، بریت، دارالکتب العلمیه.

اصفهانی، ابوالفرج. ۱۳۴۲ هـ، الأغاني، شرح دکتر يوسف الطويل، بریت، دارالکتب العلمیه.

العلایی، الیسباری. ابومصور عبدالمالک. ۱۴۰۳ ق، لبیمه الدهر فی محاسن اهل العصر، شرح و تحقیق دکتر مفرح محمد قمیحه، بریت، دارالکتب العلمیه.

سعد سلیمان، مصطفی. ۱۳۶۵ ش، دیوان، با مقامه ناصر هیبری، تهران: نشر گلمام.

سعیدی، محمد (الدوبسی). ۱۳۷۶ ش، بیشه در آمدی بر شعر عربي، ترجمه کاظم برک نیسی، تهران: انتشارات فکر روز.

ضریف، شویق. ۱۹۶۲ م، تاریخ الأدب العربي، قاهره، دارالمعارف.

ضریف، شویق. ۱۹۹۰ م، عصر الدول والامارات (تاریخ الأدب العربي)، قاهره، دارالمعارف.

العلاوی، محمد زکی. ۱۹۸۰ م، موقف الشعر من الفن والحياة، مجلة جامع للفنون العربية.

غنی، محبوب. ۱۹۹۴ م، دراسات و نماذج، قاهره، دارالمعارف.

قناوئی، حنا. ۱۳۸۲ ش، تاریخ ادبیات خیهربعی، تهران: انتشارات فکر.

قناوئی، حنا. ۱۳۸۰ ش، تاریخ الأدب العربي، تهران: انتشارات توس.

کمال، عمر رضا. ۱۹۹۳ م، معجم المؤلفین، بریت: مؤسسه الرسالة.